

صفحات : 320 و 321

متن پیاده سازی شده جلسه هفتاد و چهارم خارج فقه القضا 5 اسفند 1399

بسم الله الرحمن الرحيم

حاصل تحقیق در اطراف هیئت منصفه و نهاد ناظر قضا

حاصل تحقیق:

1- هیئت منصفه و امثال آن تا مرز وجوب

ما نهادی به عنوان هیئت منصفه در فقه نداشتیم و چیزی که داشتیم نهاد ناظر بود که این نام را هم ما انتخاب کردیم و مراد همان عده ای از اهل علم بود که در دادگاه حاضر می شدند، قرار شد که این يك امر مستحب باشد ولي آیا نمی تواند تا مرز وجوب برسد؟ مثلا پرونده خیلی پیچیده است یا قاضی تازه کار است یا حتی گاهی مصلحت اقتضا می کند که در کنار قاضی يك عده باشند که بعدا برای فصل خصومت محکوم علیه یا محکوم علیهم نگویند پارتي بازي شد یا ... این ها نکاتی است که باید در نظر گرفته شود و وقتی در خارج می آییم نمی توانیم آن ها را نادیده بگیریم. حال سازکارش چطور باشد، چطور در قوه ی قضائیه تعبیه شود و ... بحث های بعد است. ما الآن داریم اصل قضیه را بحث می کنیم.

چنانکه برخی اوقات حتی نمی شود گفت مستحب است؛ مشروع است، غیر مشروع نیست اما بیشتر از این که مشروع است نمی توان گفت و نمی توان گفت مستحب است. برخی امور مثل احتیاط است، احتیاط اگر کسی مناقشه کند در حسن آن به معنای استحباب شرعی و بگوید احتیاط حسن عقلي دارد به این معنا که اگر شما انجام دادی و اتفاقا کاری که انجام دادی مطابق واقع شد، مثل از غذا که احتمال حرمت می دادی اجتناب کردی و اتفاقا آن هم در واقع حرام بود در این صورت شما از اثر غذا رهیده ای اما نمی توان گفت در این جا مستحب است، نهایتا بگو مباح است گرچه ما مباح را هم جزو احکام شرعی نمی دانیم، مباح یعنی عدم احکام اربعه. خیلی از این ها را قاضی اگر مراعات کند خیالش راحت است. یا حتی بگو وجوب عقلي اما نمی توان گفت وجوب شرعی. اما این که چطور می شود وجوب عقلي باشد اما وجوب شرعی نباشد، باید به فقه و عقل مراجعه کنید و این بحث را در آن جا ببینید. اموری داریم که لزوم عقلي دارد ولي وجوب شرعی ندارد. ممکن است يك جا استحباب عقلي (انجام بدهد خوب است) اما نمی توانیم استحباب شرعی را ثابت کنیم. در باب احتیاط گفته اند: لا ريب في حسن الاحتیاط عقلا و اما استحبابه شرعا محل بحث و گفتگو است که به نظر ما اثباتش سخت است. لذا هیئت منصفه، حضور عالمان گاهی به مرز وجوب می رسد و گاهی در مرز مشروعیت می ماند و فتوا به استحبابش هم سخت است.

2- عدم خصوصیت برای جرم سیاسی و مطبوعاتی

گفتیم هیئت منصفه از وقتی که غربی ها با آن آشنا شدند به طور مطلق بود بعد بلژیک و فرانسه آن را برد در جرم مطبوعاتی و جرم سیاسی، قانون گزار ما هم در دوران مشروطه چون تحصیل کرده ی فرانسه و بلژیک بودند این قانون را در جرم مطبوعاتی و سیاسی آوردند البته پشت آن هم يك فکر بود که قبلا توضیح دادیم. ولي با روشی که ما در پیش گرفتیم اختصاص به جرم سیاسی و مطبوعاتی ندارد و خیلی از جرم ها مثلا يك جرم اقتصادی سنگین یا يك پرونده ی قتل پیچیده یا يك پرونده ی امنیتی است در این موارد هم فرقی ندارد و نیاز به هیئت منصفه است. پس باید نوع جرم را نگاه کنیم، حتی گاهی در جرم سیاسی هم نیاز به هیئت منصفه نیست.

3- دلالت برخی اسناد

قبلا از صاحب جواهر نقل کردیم که ایشان فرمود: دلیلی بالخصوص نداریم، لا دلیل علیها بالخصوص، ما دیروز در مقدمه

گفتیم که دلیل آن می تواند قرآن باشد، امروز می خواهیم بگوییم شاید بتوانیم از برخی ادله ی خاص هم استفاد کرد. در نامه ی امیرالمؤمنین به جناب مالک داریم که: «واكتب الي قضاة بلدانك نامه بنویس به قضات شهرهای زیر نظرت فلیرفعوا اليك كل حکم اختلفوا فيه علي حقوقه گزارش بدهند جاه هایی که اختلاف است ثم تصفح تلك الاحكام خودت دنبال کن فما وافق كتاب الله و سنة نبیه و الاثر من امامك اگر مطابق کتاب الله بود، سنت نبوی بود یا اثر ولوی بود فامضه و احملهم عليه و ما اشتهه عليك اگر جایی نتوانستی فاجمع له الفقهاء بحضرتك فناظرهم فيه ثم امض ما يجتمع عليه اقاويل الفقها بحضرتك من المسلمین این ها را جمع کن، از اقوال فقها نتیجه گیری کن و در آن شورا به يك نتیجه برس، فان كل امر اختلف فيه الرعية مردود الي حکم الامام و علي الامام الاستعانة بالله، امام يعني حاکم، معصوم یا غير معصوم، تا آخر نامه.

يعني مالك طبق دستور امام باید ناظر بر قضا باشد البته در این جا يك دستور كلي است، نه این که خود ناظر در دادگاه باشد اما اصل نظارتش جای شك نیست یا بگوییم حضرت می فرمایند: بازرسی کن.

پس از این روایت نظارت بر حکم قاضی به دست می آید، دلیل خاص هم هست. ولی ما اصلا برای پیش برد کارمان به ادله ی خاص نیاز نداریم.

#### **4. گستره شناسی کار هیئت منصفه و نهاد ناظر قضا**

نهاد ناظر قضا، هیئت منصفه فقط باید بر روی قضاوت قاضی نظارت کند و انصاف بدهد، پیشنهاد بدهد یا هر کاری که در راستای تحصیل اطمینان بیشتر به صحت داورى است می شود جزو رسالت این ها دانست یا اگر دخالت کردند بگوییم شما از حوزه ی خود خارج شده اید؟

اتفاقا یکی از چند کار اصلي هیئت منصفه و نهاد ناظر غیر از کنترل قضاوت قاضی است که آیا مطابق روایات هست یا نه؟ یا مطابق قانون هست یا نه؟ و گاهی در موضوعات کمک می کنند، گاهی در مصادیق کمک می کنند مثلا يك کسی متهم است به اهانت به مقدسات به همین اتهام کشیده شده است به دادگاه، هیئت منصفه کمک می کند به قاضی یا نهاد ناظر قضا که اهانت يعني چه؟ تفاوت اهانت با هتك، با ابداء، يعني برای تشخیص و تعریف موضوع کمک می کنند و گاهی برای تشخیص و تعریف مصداق کمک می کنند مثلا حکم این است که اهانت به مقدسات جرم است، موضوع این است که اهانت ماهو؟ اهانت چیست؟ قانون گزار اهانت را به چه می داند؟ سوم کاری که این شخص کرده مصداق اهانت هست یا نه؟ خیلی اوقات کارشناسان می گویند کار این شخص با توجه به فرهنگی که دارد یا شهری که بزرگ شده اهانت نیست. لذا این هم جزو کارهایی است که می توان برای نهاد ناظر قضا شمرد.

بحث ادامه دارد.

**الحمد لله رب العالمين**